



بسم الله الرحمن الرحيم

تفسیر جزء ۸ قرآن کریم

استاد: دین پرستی زید عزه

اردیبهشت ماه ۱۳۹۶

مرکز آموزشهای تخصصی تبلیغ - تربیت راهنما

تفسیر نمونه، جزء ۸

سوره انعام

۱۱۱

۱. معنای قُبُلًا: روپرو
۲. از نظر تفسیر نمونه، چرا خدا معجزاتی که مشرکان خواسته بودند را ارائه نمی کند؟ زیرا ایمان نمی آورند مگر با جبر، که آن هم فائده ای ندارد و ارزش محسوب نمی شود.
۳. منظور از جاهلان چه کسانی هستند؟ و چه چیزی را نمی دانند؟
 - ۳.۱. مؤمنان مصر بر ارائه معجزه: نمی دانند که مشرکان ایمان نخواهند آورد و در تقاضای خود صادق نیستند.
 - ۳.۲. کفار درخواست کننده: نمی دانند که خدا بر هر کار خارق العاده ای توانا است.
 ۴. اقول: قرآن در مقابل درخواست معجزه توسط مشرکان چه واکنشی نشان می دهد؟ حقیقت معجزه را بیان می کند که عبارت است از نفوذ قدرت الهی در تمام ذرات عالم، حتی در اعماق جان آنها: توحید افعالی.

۱۱۲

۱. تفاوت ابلیس و شیطان: شیطان اسم جنس و ابلیس اسم خاص (علم) است.
۲. زخرف القول: سخنان فریبنده، با ظاهری زیبا و باطنی زشت
۳. غرور: اغفال
۴. معنای وحی: سخنان آهسته و در گوشی (اعلام سریع خفی)
۵. اشاره واژه وحی به چیست؟ آنها در گفتار و اعمال شیطانی خود نقشه‌های اسرار آمیز دارند که محرمانه به یکدیگر القاء می‌کنند، تا مردم از کار آنها آگاه نشوند، و طرحهای آنها کاملاً پیاده شود.

۱۱۳

- لتصغی: از ماده صغو (بر وزن سرو) به معنی تمایل پیدا کردن به چیزی است، ولی بیشتر به تمایلی گفته می‌شود که از طریق شنیدن و بوسیله گوش حاصل می‌گردد، و اگر کسی به سخن دیگری با نظر موافق گوش کند به آن «صغو» و «اصغاء» گفته می‌شود.
- لام لتصغی: عاقبت: «سرانجام کار آنها این خواهد شد که افراد بی‌ایمان یعنی آنها که به روز رستاخیز عقیده ندارند به سخنان آنها گوش فرا دهند و دل‌هایشان به آن متمایل گردد».

- اقرار: ارتکاب (اکتساب): و پایان همه آنها ارتکاب انواع گناهان و اعمال زشت و ناپسند خواهد بود (وَلِيَقْتَرُوا مَا هُمْ مُقْتَرُونَ).

۱۱۴

- مفصل: تمام نیازمندیهای تربیتی انسان در آن آمده و میان حق و باطل، نور و ظلمت، کفر و ایمان، جدایی افکنده است.

۱۱۵

۱. معنای کلمه و وجه تسمیه وعده و دین و حکم و دستور به کلمه:
 - ۱.۱. «کلمه» در لغت به معنی گفتار و هر گونه جمله‌ای است و حتی به سخنان مفصل و طولانی گفته می‌شود، و اگر می‌بینیم گاهی به معنی «وعده» آمده است مانند وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا: «وعده پروردگارت درباره بنی اسرائیل در مقابل صبر و استقامتی که کردند انجام پذیرفت» (سوره اعراف آیه ۱۳۶) نیز از همین نظر است، زیرا انسان به هنگام وعده دادن جمله‌ای می‌گوید که وعده را در بر دارد. و نیز گاهی کلمه به معنی دین و آئین و حکم و دستور می‌آید که آنها نیز به همین ریشه باز می‌گردد.

۲. نحوه دلالت آیه ۱۱۵ بر عدم تحریف قرآن چیست؟

۲.۱. اطلاق لا مبدل لکلماته (با توضیح)

۳. معنای تمام شدن قرآن چیست؟

۳.۱. هر چه نازل شده بود بدون عیب و نقص و از هر نظر کامل بود

۱۱۷

مگر غیر خدا هم علم دارند که از صیغه افعال تفضیل استفاده شده است؟

- انسان به وسیله عقل خود، بدون شک، حقایقی را درک می‌کند، و راه هدایت و ضلالت را تا حدودی می‌فهمد.

۱۲۰

دو معنی گناهان ظاهر و باطن چیست؟

- ظاهر: گناهان آشکار / باطن: گناهی که در خلوت و پنهانی باشد
 - در زمان جاهلیت عده‌ای عقیده داشتند که عمل منافی عفت (زنا) اگر در پنهانی باشد عیبی ندارد تنها اگر آشکارا باشد گناه است!

- ظاهر: با اعضای بدن انجام می‌گیرد / باطن: با قلب و نیت و تصمیم صورت گیرد.

۱۲۱

- (۱) معنای فسق: گناه و خروج از راه و رسم بندگی و اطاعت فرمان خدا
- (۲) معنای ایحاء شیاطین چیست؟ القاء مطالب و سوسه انگیز به شکل مخفیانه
- (۳) سوسه شیاطین درباره خوردن میته چه بود؟ مشرکان به یکدیگر القا می‌کردند که اگر ما گوشت حیوان مرده را می‌خوریم به خاطر آن است که خدا آن را کشته و از حیوانی که ما می‌کشیم بهتر است؛ یعنی نخوردن مردار یک نوع بی‌اعتنایی به کار خدا است.

(۴) پاسخ این سوسه چیست؟

a. آنچه به مرگ طبیعی می‌میرد

i. غالباً بیمار است،

ii. سر بریده نیست و خونهای کثیف در لابلاهای گوشتهای آن می‌مانند و می‌میرند و فاسد

می‌شوند و گوشت را هم آلوده و فاسد می‌کنند.^۱

- (۵) دلیل حرمت ذبیحه‌های غیر اسلامی بر اساس این آیه چیست؟ آنها به هنگام ذبح، مقید به بردن نام خدا بر آن نیستند.

۱۲۲

- (۱) ترجمه این آیه چیست؟ أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي

الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا

a. تفسیر نمونه: آیا کسی که مرده بود سپس او را زنده کردیم و نوری بر او قرار دادیم که با آن

در میان مردم راه برود همانند کسی است که در ظلمتها باشد و از آن خارج نگردد؟

b. ترجمه درست: آیا ... همانند کسی است که حالتش در تاریکی‌ها به گونه‌ای است که از آنها

خارج شدنی نیست؟

- (۲) ترجمه درست آیه فوق، به چه نکته تربیتی اشاره می‌کند؟

^۱ تذکر: این سخنان در حد حکمت‌های احتمالی می‌توانند صحیح باشند، و الا ممکن است کسی آزمایش کند و هیچ آلودگی در خون چنین حیواناتی نیابد یا کسی بتواند تمام خون‌های آلوده آنها را خارج کند.

البته روشن است که این کارها باعث نمی‌شوند که افسان به پاک شدن آن حیوان علم پیدا کند، اما می‌توانند فهم تفسیری ما را به چالش بکشاند و ما را باشبهاتی مواجه کنند.

a. هر کسی می تواند حالت های خود در موقعیت های تاریکی (جهل، خطا، گناه) را ارزیابی کند و با تغییر حالت هایش، به سمت حیات و نور حرکت کند.

۳) شأن نزول آیه چیست؟

a. دو روایت: حمزه و ابوجهل، عمار یاسر و ابوجهل

۴) ارتباط این آیه با آیات قبل چیست؟

a. بیان تفصیل جدیدی درباره دو دسته انسان موافق قرآن (مؤمن خالص) و مخالف آن (کافر لجوج)

۵) چرا قرآن، حیات و مرگ را درباره امور معنوی به کار می برد؟

a. بیان گر آن است که ایمان یک عقیده خشک و خالی یا الفاظی تشریفاتی نیست، بلکه به منزله روحی است که در کالبد بیجان افراد بی ایمان دمیده می شود و در تمام وجود آنها اثر می گذارد؛ چشم آنها بینایی، گوش آنها قدرت شنوایی، زبانشان توان سخن گفتن و دست و پا قدرت انجام هر گونه کار مثبتی را پیدا می کند. **ایمان، افراد را دگرگون می سازد و در سراسر زندگی آنها اثر می گذارد و آثار حیات را در تمام شئون آنها آشکار می نماید.**

۶) نقش خدا در ایمان انسانها چیست؟

a. از جمله فَأَحْيَيْنَاهُ (ما او را زنده کردیم) استفاده می شود که ایمان، گرچه باید با کوشش از ناحیه خود انسان صورت گیرد اما تا کششی از ناحیه خدا نباشد این کوششها به جایی نمی رسد!

b. به رحمت سر زلف تو و ائتم ورنه *** کشش چو نبود از آن سو چه سود کوشیدن (حافظ)

۷) مراد از نور چیست؟

a. منظور از آن تنها قرآن و تعلیمات پیامبر ص نیست،

b. بلکه علاوه بر این، ایمان به خدا، بینش و درک تازه ای به انسان می بخشد، روشن بینی خاصی به او می دهد، افق دید او را از زندگی محدود مادی و چهار دیوار عالم ماده فراتر برده و در عالمی فوق العاده وسیع فرو می برد.

۸) آثار نور ایمان چیست؟

a. کنار زدن پرده های خودخواهی و خودبینی و تعصب و لجاج و هوی و هوس از مقابل چشم جانش؛

b. دیدن حقایقی که هرگز قبل از آن قادر به درک آنها نبود؛

c. یافتن راه زندگی خود در میان مردم در پرتو این نور؛

d. مصون ماندن از اشتباهات بسیاری که دیگران به دلیل آز و طمع، و به علت تفکر محدود

مادی، و یا غلبه خود خواهی و هوی و هوس، گرفتار آن می‌شوند.

۹) حدیث «المؤمن ينظر بنور الله» به چه حقیقتی اشاره می‌کند؟

a. به آثار نور ایمان اشاره می‌کند (پاسخ سؤال قبلی)

۱۰) چرا به جای «کمن فی الظلمات»، فرمود: «کَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ»؟ معنی «مَثَل» در این آیه چیست؟

دو معنی:

a. ضرب المثل

i. چنان افرادی به قدری در تاریکی و بدبختی فرو رفته‌اند که وضع آنها ضرب المثلی

شده است که همه افراد فهمیده از آن آگاهند.

b. شیخ

i. از هستی و وجود اینگونه افراد در حقیقت چیزی جز یک شیخ، یک قالب، یک مثال

و یک مجسمه باقی نمانده است هیکلی دارند بی‌روح و مغز و فکری از کار افتاده.

۱۱) چرا نور را مفرد و ظلمات را جمع آورد؟

a. ایمان یک حقیقت بیش نیست، و رمز وحدت و یگانگی است و کفر و بی‌ایمانی سرچشمه

پراکندگی و تفرقه و تشتت است.

۱۲) رفتار ناشایست کافران، چگونه برایشان آراسته می‌شود؟

a. خاصیت تکرار یک عمل زشت این است که تدریجا از قبح آن در نظر کاسته می‌شود و حتی

به جایی می‌رسد که به عنوان یک کار خوب در نظر او جلوه می‌کند.

۱۲۳

۱) به چه دلیل، می‌توان کارهایی مثل «قرار دادن اکابر مجرمان در یک منطقه» را به خدا نسبت داد؟

a. او مسبب الاسباب و سرچشمه تمام قدرتها است و هر کس هر کاری انجام می‌دهد با استفاده

از امکاناتی است که خداوند در اختیار او قرار داده اگر چه جمعی از آن حسن استفاده و

بعضی سوء استفاده می‌کنند.

۲) لام لیمکروا به چه معنی است؟

a. جمله «لَيْمَكُرُوا» (تا مکر و نیرنگ به کار زنند) به معنی سرانجام و عاقبت کار آنها است نه

هدف از خلقت آنان

b. پاورقی: به اصطلاح «لام» لام غایت نیست بلکه لام عاقبت است که در قرآن نمونه‌های

متعددی دارد.

۳) معنی اصلی و استعمالی مکر چیست؟

a. معنی اصلی: تاییدن و بیچیدن

b. معنی استعمالی: سپس به هر کار انحرافی که توأم با اخفاء و پنهانکاری باشد گفته شده است.

۴) در این آیه مراد از مکر چیست؟

a. رهنز راه حق شدن و منحرف کردن بندگان خدا از راه او.

۵) مکر مجرمان به خود، با چه منطق و دلیلی اثبات می شود؟

a. توجه به استعدادها و امکانات از دست رفته: چه نیرنگ و فریبی از این بالاتر که سرمایه‌های

وجود خود اعم از فکر و هوش و ابتکار و عمر و وقت و مال خویش را در مسیری به کار

می‌گیرند که نه تنها سودی به حال آنها ندارد بلکه پشتشان را از بار مسئولیت و گناه سنگین

می‌سازد، در حالی که فکر می‌کنند به بیروزیهایی رسیده‌اند!

۶) از این آیه کدام اصل جامعه شناختی به دست می آید؟

a. تأثیر اقلیت فاسد مفسد (سردمداران) در انحراف جوامع

۱۲۴

۱) شأن نزول این آیه چیست؟

a. ولید بن مغیره: سن و مال

i. ولید بن مغیره (که از سران معروف بت پرستان بود و به اصطلاح مغز متفکر آنها

محسوب می‌شد) به پیامبر ص می‌گفت: اگر نبوت راست باشد من به احراز این مقام

از تو سزاوارترم زیرا هم سنم از تو بیشتر است و هم مالم

b. ابو جهل: رقابت خانوادگی

i. ابو جهل تصور می‌کرد مساله نبوت هم باید مرکز رقابته‌ها قرار گیرد. او می‌گفت: ما و

قبیله بنی عبد مناف (طایفه پیامبر ص) در همه چیز با هم رقابت داشتیم و همچون دو

اسب مسابقه دوش بدوش هم پیش می‌رفتیم، تا اینکه آنها ادعا کردند: «پیامبری از

میان ما برخاسته که وحی به او می‌شود». ولی ممکن نیست ما به او ایمان بیاوریم

مگر اینکه بر ما نیز وحی شود همانطور که بر او وحی می‌شود.

۲) از نظر تفسیر نمونه، کدام ملاک‌ها برای رسالت، باطل و کدام، صحیح است؟

a. ملاک‌های باطل: آنچه که از نهایت انحطاط فکری و عدم درک مفهوم نبوت و رهبری خلق

سرچشمه می‌گیرد، مانند:

i. سن

ii. مال

iii. رقابت‌های کودکانه قبایل

b. ملاک‌های صحیح: آنچه که با مقام نبوت تناسب دارد و کسی جز خدا نمی‌داند:

i. آمادگی روحی،

ii. پاکی ضمیر،

iii. سجایای اصیل انسانی،

iv. فکر بلند و اندیشه قوی،

v. تقوی و پرهیزگاری فوق العاده تا سر حد عصمت.

۳) (فرا تفسیر) چرا وصی پیامبر نیز باید عصمت داشته باشد؟

a. جانشین پیامبر ص نیز تمام صفات و برنامه‌های او را (بجز وحی و تشریح) دارد.

i. هم حافظ شرع و شریعت است

ii. هم پاسدار مکتب و قوانین او

iii. و هم رهبر معنوی و مادی مردم.

b. لذا باید او هم دارای مقام عصمت و مصونیت از خطا و گناه باشد تا بتواند رسالت خویش را

به ثمر برساند و رهبری مطاع و سرمشقی مورد اعتماد گردد.

c. مقام عصمت را کسی جز خدا نمی‌تواند تشخیص دهد.

d. پس راه تشخیص وصی معصوم، انتخاب و شوری نیست، تا چه رسد به غضب.

۴) بر اساس آیه «سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ» چه تناسبی بین

رفتار مجرمان مورد بحث این آیه با عذابشان وجود دارد؟

a. چرا عاقبت تحقیر آمیزی را برای مجرمان تصویر می‌کند؟

i. این خودخواهان می‌خواستند با کارهای خلاف خود موقعیت و بزرگی خویش را

حفظ کنند ولی خدا آنها را آن چنان «تحقیر» خواهد کرد که دردناکترین شکنجه‌های

روحی را احساس کنند.

b. چرا عذاب آنها را توصیف به «شدت» می‌کند؟

i. بعلاوه چون سر و صدای آنها در راه باطل زیاد و تلاش آنها «شدید» بود کيفر و

عذاب آنها نیز «شدید» و پر سر و صدا خواهد بود.

۱۲۵

۱. منظور از «هدایت» و «اضلال» الهی چیست؟

(۱) این عبارت از آیه را ترجمه کنید: «یا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدْ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ»

- a. تفسیر نمونه: ای جمعیت شیاطین و جن شما افراد زیادی از انسانها را گمراه ساختید.
- b. لغت: استکثر من الشيء: رغب فی الكثير منه و أكثر منه أيضاً. (لسان العرب)
- c. ترجمه درست: ای جمعیت جن، همانا شما در تعداد زیادی از انسان ها رغبت داشتید.
- d. با اینکه فرمود: «استکثرتم من اضلال الانس»، آیا می توان گفت «شما مایل بودید تعداد زیادی از انسان ها را گمراه کنید»؟

i. اگر آنگونه می گفت، احتمال می دادیم که شاید برخی از جنیان نیز مایل باشند که رابطه صحیح و ایمانی با انسان ها شروع کنند.

ii. هر چند مراد همان است اما اینگونه فرمود تا نشان دهد که جنیان مؤمن، رغبت و طمعی در انسان ها ندارند.

iii. این مطلب، یک قاعده کلی درباره روابط انسان ها با جنیان به دست می دهد: اگر شروع رابطه، از طرف جن باشد، قطعاً آن رابطه شیطانی است.

e. به چه دلیل، مراد، همان اضلال است؟

i. ذیل آیه: النار مثواکم ...

(۲) معنای اجل در این آیه چیست؟

a. پایان زندگی

(۳) دو احتمال در وجه استثناء به مشیت خدا چیست؟

a. ابدیت عذاب و کیفر در اینگونه موارد سلب قدرت از پروردگار نمی کند، هر گاه بخواهد

می تواند آن را تغییر دهد اگر چه با اراده خود، در مورد عده ای ثابت نگه می دارد.

b. اشاره به افرادی که باید از حکم خلود و جاودانی بودن مجازات استثناء شوند:

i. افرادی که استحقاق ابدیت عذاب را ندارند؛

ii. افرادی که قابلیت شمول عفو الهی را دارند.

(۱) معنای معشر چیست؟

a. «معشر» در اصل از «عشرة» به معنی عدد ده گرفته شده است و از آنجا که عدد ده یک عدد کامل^۲ است، کلمه «معشر» به یک جمعیت کامل که اصناف و طوائف مختلفی را در بر می‌گیرد گفته می‌شود.

۲) آیا فرستادگان «جن» از جنس خود آنها است، یا از نوع بشر؟

- a. در میان مفسران گفتگو است. اما آنچه از آیات سوره جن به خوبی استفاده می‌شود این است که قرآن و اسلام برای همه، حتی آنها نازل شده، و پیامبر اسلام مبعوث به همه بوده است.
- b. ولی باید توجه داشت که کلمه «منکم» (از شما) دلیل بر آن نیست که پیامبران هر دسته از جنس خودشان خواهند بود، زیرا هنگامی که به گروهی گفته شود «نفراتی از شما...» این نفرات ممکن است از یک طایفه یا از همه طوائف باشند.
- c. در عین حال هیچ مانعی ندارد که رسولان و نمایندگان از خود آنها از طرف پیامبر ص مامور دعوت آنان بوده باشند.

۳) از نظر قرآن، دلیل انحراف ظالمان چیست؟

a. دلبستگی بی‌حد و حساب و تسلیم بی‌قید و شرط در برابر مظاهر جهان ماده

۱۳۲

مضاف الیه محذوف «کل» چیست؟

• دو احتمال:

- متعلق الكل محذوف و هو الضمير الراجع إلى الطائفتين، و المعنى: و لكل طائفة من طائفتي الجن و الإنس درجات من أعمالهم. (الميزان)
- أی و لكل عامل طاعة أو معصية (نمونه، مجمع البيان، تبیان)

۱۳۳

دلیل ظالم نبودن خدا چیست؟

• سه صفت الهی: غنی، رحمت، قدرت

۱۳۴

آیه «إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَ مَا أَنتُمْ بِمُعْجِزِينَ» را ترجمه کنید.

^۲ احتمالاً مراد، اولین عددی است که معمولاً بزرگ گروه اطلاق می‌شود.

۱. دلیل بر زشتی سهم بندی زراعت و انعام توسط بت پرستان چیست؟
 - ۱.۱. بطلان سهم بندی برای خالق همه چیز؛
 - ۱.۲. برتری دادن به بتها در تخصیص خود سهم؛
 - ۱.۳. برتری دادن به بتها در مصرف کننده آن سهمها

۱. علت اسناد تزئین قتل فرزندان به بتها چیست؟
 - ۱.۱. تأثیر عشق برتر به بتها در عمل آنها؛
 - ۱.۲. تشویق متولیان بتکده ها به این عمل؛
 - ۱.۳. نقش عقیده و سوگند به بتها در مسئله زنده به گور کردن دختران؛
 - ۱.۴. تأثیر عشق به بتها در فقر و کشتن فرزندان.

۱. مراد از «ما فی بَطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ» چیست؟ چرا شامل شیر انعام نمی شود؟
۲. معنای وَصَفَهُمْ چیست؟
 - ۲.۱. توصیفی که آنها از خدا می کردند و تحریم این گونه غذاها را به خدا نسبت می دادند؛
 - ۲.۲. صفت و حالتی که بر اثر تکرار گناه به شخص گناهکار دست می دهد و او را مستحق مجازات می کند.

- ۱- معنای معروش و غیر معروش چیست؟
 - ۱.۱. [درخت نیازمند به داربست و بی نیاز از آن]
 - ۱.۲. [درخت اهلی و جنگلی]
 - ۱.۳. [درخت ایستاده و خوابیده]
- ۲- معنی و مصادیق اسراف چیست؟
 - ۲.۱. معنی: تجاوز از حد اعتدال
 - ۲.۲. مصادیق: عدم اسراف در خوردن و یا عدم اسراف در بخشش
- ۳- دلیل تقیید آیه به «اذا اثمر» بعد از ذکر «من ثمره» چیست؟
- ۴- مراد از «حقه» چیست؟
 - ۴.۱. حق این نعمتها: انفاق مستحبی، نه انفاق واجب منسوخ به زکات

منظور از این حق که بهنگام درو باید پرداخت چیست؟ بعضی معتقدند همان زکات واجب، یعنی یک دهم و یک بیستم است، ولی با توجه به اینکه این سوره در مکه نازل شده و حکم زکات در سال دوم هجرت و یا بعد از آن در مدینه نازل گردیده است، چنین احتمالی بسیار بعید به نظر می‌رسد.

در روایات فراوانی که از اهل بیت ع به ما رسیده و همچنین در بسیاری از روایات اهل تسنن این حق، غیر از زکات معرفی شده و منظور از آن چیزی است که بهنگام حضور مستمند در موقع چیدن میوه و یا درو کردن زراعت به او داده می‌شود، و حد معین و ثابتی ندارد و در این صورت آیا این حکم واجب است یا مستحب، بعضی معتقدند که یک حکم وجوبی است که قبل از تشریح حکم زکات بر مسلمانان لازم بوده ولی بعد از نزول آیه زکات، این حکم منسوخ شد، و حکم زکات با حد و حدود معینش به جای آن نشست.

۴.۲. ولی از روایات اهل بیت ع استفاده می‌شود که این حکم نسخ نشده و به عنوان یک حکم استحبابی هم اکنون به قوت خود باقی است.

۱۴۲ تا ۱۴۴

وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَفَرْشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۱۴۲) ثَمَانِيَةَ
أَزْوَاجٍ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ الذَّكْرَيْنِ حَرَّمَ أُمُّ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ نَبُؤُنِي يَعْلَمُ
إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۴۳) وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ الذَّكْرَيْنِ حَرَّمَ أُمُّ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ
الْأُنثَيَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّاكُمُ اللَّهُ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا
يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۴۴)

ترجمه واژه های قرمز شده: همگی جمع‌اند، نه مفرد.

- انعام: گاوها، گوسفندان و شترها
- ضأن: میش‌ها
- معز: بزها
- ابل: شترها
- بقر: گاوها

معنی حمولة

«حمولة» به معنی جمع است، و چنان که علمای لغت گفته‌اند، مفرد از جنس خود ندارد، و به معنی حیوانات بزرگ باربر مانند شتر و اسب و نظایر آنها است.

معنی فرش

«فرش» به همان معنی معروف است، ولی در اینجا به معنی گوسفند و نظیر آن از حیوانات کوچک تفسیر شده است

- و ظاهراً نکته‌اش این است که اینگونه حیوانات بسیار به زمین نزدیک هستند، و در برابر حیوانات بزرگ باربر همانند فرشی محسوب می‌شوند، هر گاه به بیابانی که گوسفندانی در آن مشغول چرا هستند از دور بنگریم درست به فرشی می‌مانند که روی زمین گسترده شده است، در حالی که گله شتران هیچگاه از دور چنین منظره‌ای ندارد.
- این احتمال را نیز بعضی از مفسران داده‌اند که منظور از این کلمه، فرشهایی است که مردم از حیوانات درست می‌کنند، یعنی بسیاری از حیوانات هم برای باربری مورد استفاده قرار می‌گیرند و هم برای تهیه فرش، ولی احتمال اول نزدیکتر به معنی آیه است.

علت تعبیر مما رزقکم الله

اینکه نمی‌گویند از این حیوانات بخورید، بلکه می‌گویند از آنچه به شما داده است تناول کنید، به خاطر آن است که حیوانات حلال گوشت منحصر به چهارپایان نیستند،^۲ بلکه حیوانات دیگری نیز حلال گوشتند که در جمله فوق از آنها ذکری نشده است.

دلیل پرسش از شاهد وصیت الهی بودن قائلان به تحریم این حیوانات چیست؟

^۳اقول: این مطلب با توجه به ترجمه صحیح انعام روشن تری شود.

از آیه فوق استفاده می شود که دروغ بستن به خدا یکی از بزرگترین ستمها است، ستم به مقام مقدس پروردگار، و ستم به بندگان خدا، و ستم به خویشتن^۴

وجه به کار بردن اظلم در اینگونه موارد

و همانطور که سابقا گفته ایم، تعبیر به «ستمکارترین» در اینگونه موارد جنبه «نسبی» دارد، بنابراین مانعی ندارد که عین این تعبیر در مورد بعضی از گناهان کبیره دیگر ذکر شود.^۵

۱۴۸

سه توجیه مشرکان برای جرمهای خود^۶

۱. نسبت دادن گناهان به خدا

a. جبر^۷

i. گنهکاران، تمایل به عقیده جبر دارند تا خود را تبرئه و توجیه کنند. (مهم در تبلیغ و

تربیت)

ii. دلیل بر اختیار: وجدان انسان ← مصداق عینی وجدان در تفسیر نمونه: عکس العمل

نشان دادن

b. سکوت (تقریر) خدا

^۴ ظلم نسبت به ذات پاک او که شریکی برای او قائل شده، و ظلم بر خویشتن که شخصیت و ارزش وجود خود را تا سرحد پرستش یک قطعه سنگ و چوب پائین آورده، و ظلم بر اجتماع که بر اثر شرك گرفتن تفرقه و پراکندگی و دور شدن از روح وحدت و یگانگی شده است. (تفسیر نمونه، ج ۵، ص: ۱۸۴، ذیل آیه ۲۱ انعام)

^۵ در ذیل آیه ۲۱ توضیح دیگری آورده است:

همه این امور در حقیقت از يك جاريشه می گیرد و آن مسئله شرك و كفر و عناد است؛ زیرا منع مردم از ذکر خدا در مساجد و سعی و کوشش در ویران ساختن آنها نشانه كفر و شرك است، و همچنین کتمان شهادت که ظاهرا منظور از آن کتمان شهادت بر حقایق است که موجب سرگردانی مردم در وادی کفری شود از چهره های گوناگون شرك و انکار خداوند یگانه است.

^۶ ما هم به هر سه، مبتلای شویم. باید مراقب خودمان باشیم.

^۷ مشکل بسیاری از نوجوانان و جوانان در شبهه جبر یا طغیان شهوات (اعم) است و یا مشکلات زندگی. در برخورد با آنها دقت شود.

۱. این احتمال^۱ در معنی آیه نیز هست که آنها مدعی بوده‌اند سکوت خدا در برابر بت پرستی و تحریم پاره‌ای از حیوانات، دلیل بر رضایت او است زیرا اگر راضی نبود می‌بایست به نوعی ما را از این کار باز دارد.

۲. استمرار و دوام عقائد (و لا آباؤنا)

a. می‌خواسته‌اند به عقاید پوچ خود رنگ قدمت و دوام بدهند و بگویند این چیز تازه‌ای نیست که ما می‌گوئیم، همواره چنین بوده است.

پاسخ‌های قاطع قرآن به هر سه توجیه مذکور

پاسخ‌های قرآن به این سه توجیه در عبارت «كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِّنْ عِلْمٍ»:

پاسخ به جبر

۱. اقول: بر اساس آیه «كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا»:

۱.۱. دلیل اصلی: وجدان

۱.۲. علاماتِ عدم جبر:

۱.۲.۱. عکس‌العمل خدا: سختی و عذاب خدا نصیب گذشتگان شده و نصیب آنها

نیز خواهد شد

۱.۲.۲. دعوت انبیا: اصولاً دعوت انبیا خود مهمترین علامت برای آزادی اراده و

اختیار انسان است.

۱.۲.۲.۱. كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ

۱.۲.۲.۲. قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ (۱۴۹)

۱.۲.۳. تفاوت انسانها در رد و قبول

۱.۲.۴. تفاوت حالات یک انسان در رد و قبول مطالب مختلف

پاسخ به سکوت

۲. عدم تأیید خدا با سکوت، به دو دلیل:

۲.۱. ارسال انبیا کرده:

^۱ می‌توان این احتمال را نیز توأم با احتمال قبلی پذیرفت.

۲.۱.۱. كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ: اگر او به این اعمال راضی بود چگونه پیامبران

خود را برای دعوت به توحید می فرستاد؟

۲.۱.۲. قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ (۱۴۹) ← اقامه دلیل، دلیل بر آزادی اراده است.

(نمونه)

۲.۲. بیان عاقبت جرم و توجیه: حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا

پاسخ به دوام عقیده (مدلول واقعی دوام در باطل)

۳. گذشتگان را به دلیل تکذیب، مذمت می کند؛ پس دوام این تکذیب مذموم، بیان تراکم باطل است، نه تأیید.

۱۴۹

مراد از الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ چیست؟

مفاد واژه حجت

«حجت» در اصل از ماده «حج» به معنی قصد است

«محجه»: جاده و راه که مقصود و منظور انسان است

«حجت»: دلیل و برهان که گوینده قصد دارد به وسیله آن مطلب خود را برای دیگران ثابت کند.

راه رسیدن دلائل خدا

عقل و نقل / دانش و خرد و همچنین فرستادن پیامبران

مفاد واژه بالغه

«بالغه»: رسا ← دلائل خداوند برای بشر از طریق عقل و نقل و دانش و خرد، و فرستادن پیامبران، از هر نظر

روشن و رسا است، به طوری که جای هیچگونه تردید برای افراد باقی نماند.

لزوم رساندن پیام

اقول: حجت باید برسد، نه اینکه بگوییم و از زیرش در برویم.

بالغ شدن حجت الهی، مستلزم عصمت او است

و به همین دلیل خدا پیامبران را معصوم از هر گونه خطا و اشتباه قرار داده تا هر گونه تردید و دودلی را از

دعوت آنان دور سازد.

اقول: وظیفه مبلغان: تبیین عینی و ملموس عصمت در زندگی پیامبران و ائمه.

مصدق حجت بالغه از نظر روایات چیست؟

۱. يَا هِشَامُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةً وَ حُجَّةَ بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَئِمَّةُ ع وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ (الكافي ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۱۶)
۲. حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ، قَالَ: سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) وَ قَدْ سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ (تَعَالَى): فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ. فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: عَبْدِي أَ كُنْتَ عَالِمًا فَإِنْ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ لَهُ: أ فَلَا عَمِلْتَ بِمَا عَلِمْتَ وَ إِنْ قَالَ: كُنْتُ جَاهِلًا، قَالَ لَهُ: أ فَلَا تَعَلَّمْتَ حَتَّى تَعْمَلَ فِيخُصِّمَهُ، فَتِلْكَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ. (الأمالي للطوسي)، النص، ص: ۱۰)

۱.۱. بدیهی است منظور از روایت فوق این نیست که حجت بالغه منحصر در گفتگوی خدا با بندگان در قیامت است، بلکه خداوند حجتهای بالغه فراوانی دارد که یکی از مصداقهایش همان است که در حدیث فوق آمده است، زیرا دامنه حجتهای بالغه خداوند وسیع است هم در دنیا و هم در آخرت. (نمونه)

معنای «بربهم يعدلون»

عَدَلْتُ فَلَانًا بِفَلَانٍ، إِذَا سَوَيْتَ بَيْنَهُمَا. (صحاح)

عدل فلان بر بیه: اشرك و - فلانا بفلان: سوی بینهما. (اقرّب الموارد)

۱۵۱-۱۵۲

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِبَاهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَُمْ وَ صَاكُمُ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۱۵۱) وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَ بَعْدَ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكَُمْ وَ صَاكُمُ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱۵۲)

در آیات فوق، در دو مورد تعبیر به لا تقربوا (نزدیک نشوید) شده است، این موضوع در مورد بعضی از گناهان دیگر نیز در قرآن تکرار شده است، به نظر می‌رسد که این تعبیر در مورد گناهانی است که «وسوسه‌انگیز» است مانند «زنا و فحشاء» و «اموال بی‌دفاع یتیمان» و امثال اینها، لذا به مردم اخطار می‌کند که به آنها نزدیک نشوند، تا تحت تاثیر وسوسه‌های شدیدشان قرار نگیرند.

- توجه دادن به مقدمات گناه: مهم در عرصه تبلیغ و تربیت، خصوصا برای جوانان.

۱۵۱

... وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ ...

گناهان آشکار و پنهان

شک نیست که جمله «ما ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ» هر گونه گناه زشت آشکار و پنهانی را شامل می‌شود، ولی در بعضی از احادیث از امام باقر ع نقل شده که فرمود:

یک مصداق از گناهان آشکار و پنهان در روایت:

- ما ظهر هو الزنا و ما بطن هو المحالة^۹: «منظور از گناه آشکار، زنا و منظور از گناه پنهان، گرفتن معشوقه‌های نامشروع پنهانی و مخفیانه است»
اما روشن است که ذکر این مواد به عنوان بیان یک مصداق روشن است، نه اینکه منحصر به همین مورد بوده باشد.
در بحث روابط دختر و پسر بر اساس قرآن و روایت مفید است.

۱۵۲

مراد از عهد الهی چیست؟ (وَ بَعَثَ اللَّهُ أَوْفُوا)

مفسران احتمالاتی داده‌اند، ولی مفهوم آیه، همه بیمانهای الهی را اعم از بیمانهای «تکوینی» و «تشریحی» و تکالیف الهی و هر گونه عهد و نذر و قسم را شامل می‌شود.

^۹ الحَالَة

- عالم ذر با توضیح نظر آقای صفایی
- فطرت: نوع ساخت انسان که می تواند حق را از باطل بشناسد.
- اعم از فطرت بینشی (خدایابی) و گرایش (اخلاق مداری)

معنای قسط

... وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ ...

قسط: نصیبی که عدالت به صورت آشکار در آن لحاظ شده باشد.^{۱۰}

معنای وسع

... لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ...

در قرآن، تکلیف بر اساس دو چیز معرفی شده است: وسع و «ما آتاها»

نصب وسع: مفعول دوم تکلیف

۱. وسع گفت نه یسر: تکلیف سختی هایی دارد ولی مکلف می تواند از عهده آن سختی ها برآید.
۲. وسع گفت نه طاقت: هر چند مکلف می تواند از عهده آن برآید، اما طوری هم نیست که برای انجام وظیفه، هیچ رمقی برای پس از آن نماند.
۳. در نگاهی دیگر: تکلیف، وسعت یافتن است. (ما آتاها: تکلیف هم نعمت است).

^{۱۰}(الفرق) بین النصیب والقسط

أن النصیب يجوز أن يكون عادلاً وجائراً وناقصاً عن الاستحقاق وزائداً يقال نصيب مجوس وموفور، والقسط الحصة العادلة مأخوذة من قولك أقسط اذا عدل ويقال قسط القوم الشيء بينهم اذا قسموه على القسط، ويجوز أن يقال القسط اسم للعدل في القسم، ثم سمي العزم على القسط قسطاً كما يسمى الشيء باسم سببه وهو كقولهم للنظر رؤية، وقيل القسط ما استحق المقسط له من النصيب ولا بد له منه ولهذا يقال للجواهر قسط من المساحة أي لا بد له من ذلك.

(الفرق) بين العدل والقسط

أن القسط هو العدل البين الظاهر ومنه سمي المكيال قسطاً والميزان قسطاً لأنه يضور لك العدل في الوزن حتى تراه ظاهراً وقد يكون من العدل ما يخفى ولهذا قلنا إن القسط هو النصيب الذي بينت وجوهه وتقسط القوم الشيء تقاسموا بالقسط.

۱. «صدف» از ماده «صدف» (بر وزن حذف) به معنی اعراض کردن شدید و بدون تفکر از چیزی است، اشاره به اینکه آنها نه تنها از آیات خدا روی گردانیدند بلکه با شدت از آن فاصله گرفتند، بدون اینکه درباره آن کمترین فکر و اندیشه‌ای به کار برند.
۲. گاهی این کلمه به معنی جلوگیری کردن و ممانعت دیگران نیز آمده است.

۱. معنای قِیماً چیست؟
 - ۱.۱. مستقیم در نهایت راستی و درستی،
 - ۱.۲. ابدی و جاویدان
 - ۱.۳. قائم به امور دین و دنیا و جسم و جان
۲. معنای حنیف در لغت و اصطلاح قرآنی چیست؟
 - ۲.۱. «حنیف» به معنی شخص یا چیزی است که تمایل به سویی پیدا کند، ولی در اصطلاح قرآن به کسی گفته می‌شود که از آئین باطل زمان خود روی گرداند و به آئین حق توجه کند.

سوره اعراف

مقدمه

تفسیر: این سوره از سوره‌های مکی است به جز آیه «و استلهم عن القریه» تا «بما کان یفسقون» (۱۶۳) که در مدینه نازل شده است.

اقول: ظاهراً قرینه روشنی برای اثبات این مدعا وجود ندارد.

تفاوت سوره‌های مکی و مدنی

اول فرهنگ سازی، سپس قانونگذاری برای موارد نیاز

چهار مرحله نزول قرآن بر اساس تحول فرهنگی در جامعه:

- دعوت علنی، رویش پنهانی
 - با محوریت رشد فردی
 - با محوریت رشد اجتماعی (آغاز: از سوره اعراف)

- بروز اجتماعی و گروهی مسلمانان
- تشکیل حکومت در مدینه
- قانونگذاری برای صیانت از ارزشهای تثبیت شده

۱ المص

احتمالات در تفسیر حروف مقطعه:

۱. جلب توجه مخاطبان
۲. حروف تشکیل دهنده قرآن (یا سوره خاص)
۳. رمز بین خدا و پیامبر
 - ۳.۱. رمزگشایی های مطرح شده در تفاسیر:
 - ۳.۱.۱. رمز اسامی خدا^{۱۱}
 - ۳.۱.۲. رمز تاریخ حکومت ها و خروج ها^{۱۲}
 - ۳.۲. ارتباط این رمز با غیر اهل رمز (فرا تفسیر: پیام غیر مستقیم)
 - ۳.۲.۱. سؤال: چرا این رمز را در قرآن آورد تا همگان در طول تاریخ از آن اطلاع داشته باشند؟
 - ۳.۲.۲. پاسخ:
 - ۳.۲.۲.۱. گاهی لازم است مربی و مدیر، با مربی و زیردستش سخن رمزی داشته باشد.
 - ۳.۲.۲.۲. یکی از برتری های مدیر (هدایتی یا اجتماعی) در جامعه و بر جامعه، رمزهایی است که بین او و مقام مافوق وجود دارد. گاهی توجه به همین رمزها و اسرار باعث تسلیم دیگران در برابر آن مدیر می شود.
 - ۳.۲.۲.۳. مربی و زیردست، باید مراقب افشای محتوای رمزی باشد و این رمزها را به اندازه نیاز مخاطبان بیان کند.

^{۱۱} این دو احتمال را تفسیر نمونه در اینجا مطرح کرده است.

ابن بابویه، قال: أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الرَّجَائِيُّ «فِيمَا كَتَبَ إِلَيَّ عَلَى يَدَيَّ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْبَغْدَادِيُّ الْوَرَّاقِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُعَاذُ بْنُ الْمُثَنَّى الْعَنْبَرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَشْمَاءَ، قَالَ: حَدَّثَنَا جُوَيْرِيَةُ، عَنْ سُفْيَانَ بْنِ سَعِيدِ الثَّوْرِيِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: المص، مَعْنَاهُ أَنَا اللَّهُ الْمُقْتَدِرُ الصَّادِقُ.» (دارای راویان مجهول، و سندی ضعیف است.)

^{۱۲} این آیه، در چند روایت بر سقوط بنی امیه و تشکیل حکومت بنی عباس تطبیق شده است، ولی مطابقت کافی ندارد و علامه مجلسی در مقام توجیه، چند احتمال می دهد از جمله اینکه دو مطلب در این بحث برای ما روشن نیست: یکی مبدأ تاریخ، که آیا تولد پیامبر است، بعثت است، هجرت است یا چیزی دیگر؟ دوم اینکه مراد، کدام مرحله از پیروزی بنی عباس است؟ تشکیل حکومتشان، ورود به کوفه؟ یا حادثه ای دیگر؟

۱. معنای حرج چیست؟
 - ۱.۱. در اصل:
 - ۱.۱.۱. مرکز اجتماع درختان درهم پیچیده
 - ۱.۲. در لغت:
 - ۱.۲.۱. سپس توسعه یافته و به هر نوع گرفتگی، تنگی و ضیق و ناراحتی اطلاق شده است.
 ۲. غرض از عبارت «كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ»: دلداری به پیامبر ص
 - ۲.۱. روش دلداری دادن:
 - ۲.۱.۱. چون این آیات از ناحیه خدا است، نباید هیچگونه نگرانی به خود راه دهد.
 - ۲.۱.۱.۱. تفکر: این پاسخ چه ارتباطی به سؤال دارد؟
 - ۲.۱.۱.۲. او، احوال تو و مسیر پیش روی تو را بهتر از هر کسی (حتی از خودت) می داند.
 - ۲.۱.۱.۳. او بهتر از هر کسی می تواند مسیر پیش رویت را روشن کند.
 - ۲.۱.۱.۴. او از هر کسی بی نیازتر و مهربان تر است، هم به تو و هم به مردمی که قرار است با قرآن او، انذار شوند. پس علم و قدرتش را نادیده نمی گیرد و بر خلافتشان کاری نمی کند.
 - ۲.۲. چه لزومی دارد خدا به پیامبر دلداری دهد؟
 - ۲.۲.۱. وجود نگرانی در پیامبر
 - ۲.۲.۱.۱. انواع نگرانی های پیامبر:
 - ۲.۲.۱.۱.۱. سنگینی بار رسالت که بر دوش گرفته (آیا درست انجام خواهم داد؟)
 - ۲.۲.۱.۱.۲. عکس العمل دشمنان لجوج و سرسخت در برابر آن (آیا واکنش آنها قابل تحمل خواهد بود؟)
 - ۲.۲.۱.۱.۳. نتیجه تبلیغ این رسالت (آیا در تبلیغ، به نتیجه خواهم رسید؟)
 - ۲.۲.۱.۱.۴. دلیل نگرانی پیامبر در این مقطع:
 - ۲.۲.۱.۲.۱. تفسیر نمونه:
 - ۲.۲.۱.۲.۱.۱. سوره از سوره های مکی است
 - ۲.۲.۱.۲.۱.۲. او می بایست یک جهش انقلابی در تمام زمینه ها در آن محیط فوق العاده عقب افتاده آن هم در مدتی کوتاه به وجود آورد، پس مشکلات پیش رویش ابعاد گسترده ای داشت.
 - ۲.۲.۱.۲.۲. بررسی:

۲.۲.۱.۲.۲.۱. سوره اعراف در آغاز تشکیل گروه مؤمنان است و به مؤمنان (یا به

مشرکان و مؤمنان) خطاب و عتاب می کند. ← لَتُنذِرَ بِهِ وَ ذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ

۲.۲.۱.۲.۲.۲. پاسخ درست: نگرانی پیامبر از دو چیز است:

۲.۲.۱.۲.۲.۲.۱. مشرکان (عموم مردم) با برنامه و حیانی مبارزه کنند.

۲.۲.۱.۲.۲.۲.۲. مؤمنان قدر این زحمات را ندانند و این برنامه را تحمل نکنند.

۴

۱. معنای قائلون:

۱.۱. صیغه: اسم فاعل از ماده «قیلولة»

۱.۲. معنی:

۱.۲.۱. خواب نیمروز

۱.۲.۲. یا استراحت در نیمروز

۱.۲.۳. معنای اصلی:

۱.۲.۳.۱. راحتی

۱.۲.۳.۲. شاهد: «پس گرفتن» جنسی که فروخته شده «اقاله» نامیده می شود، زیرا طرف را از

نگرانی راحت می کند.

۲. معنای بیاتاً

۲.۱. شبانه و شب هنگام

۳. علت رسیدن مجازات الهی به هنگام استراحت چیست؟

۳.۱. تناسب کيفر با گناه:

۳.۱.۱. آرامش و آسایش آنها به کلی درهم ریخته شود،

۳.۱.۲. همانطور که آرامش و آسایش دیگران را به هم ریخته بودند.

۶

وجه جمع بین آیاتی که سؤال در قیامت را نفی می کنند با این آیه:

• مراحل قیامت

• انواع سؤال (زبانی و غیر زبانی)^{۱۳}

• انواع سؤال (استفهامی و تفهیمی)

^{۱۳}تفسیر نمونه، دو احتمال اول را آورده است.

معنای قص؟

- معنای اصلی: پشت سر هم قرار گرفتن
 - قصه: در شرح یک ماجرا، مطالب پشت سرهم، پیاده می‌شود
 - قصاص: مجازاتی که پشت سر جنایت انجام می‌گردد
 - «مَقْصَصٌ» (قیچی): موها را پشت سرهم قطع می‌کند
 - قِصَصٌ (جستجو درباره چیزی): شخص جستجوگر حوادث را پشت سرهم تعقیب و دنبال می‌کند
- معنای استعمالی (در آیه): شرح ماجرا

۱. مراد از ظلم به آیات چیست؟
۲. ظلم به آیات: آیات را در جای خود نگذاشتن
 - ۲.۱. برنامه های خدا در عینیت زندگی جریان نداشته باشد
 - ۲.۲. رهبران الهی در مقام پیشوایی و الگویی نباشند:
 - ۲.۲.۱. مصیبت اصلی امام حسین: ازالتکم عن مراتبکم التي رتبکم الله فیها
 - ۲.۲.۳. استعدادهای خودمان که در جای خود خرج نمی‌شوند: خسروا انفسهم بما کانوا بآیاتنا یظلمون
۳. معنای «تکذیب آیات» و «استکبار از آیات» (که در آیه ۳۶ آمده است)
 - ۳.۱. برنامه ها دروغند و به سعادت نمی‌رسانند
 - ۳.۲. ما برنامه های بهتری داریم

معنای تمکین چیست؟

- تمام وسائل کار را در اختیار او بگذارند، به او قدرت و توانایی بخشند، ابزار کار را فراهم کنند و موانع را برطرف سازند.

قیاس باطل ابلیس چه بود؟

- (او آفرینش خود را از نظر مادی با آفرینش آدم، مقایسه نمود و برتری آتش را در پاره‌ای از جهات، بر خاک دلیل بر برتری همه جانبه گرفت، بدون اینکه به سایر امتیازات خاک و از آن بالاتر به امتیازات روحانی و

معنوی آدم توجه کند، و به اصطلاح از طریق «قیاس اولویت»، اما قیاسی که بر پایه تخمین و گمان و مطالعه سطحی و محدودش قرار داشت، حکم به برتری خود بر آدم نماید، و حتی فرمان خدا را به خاطر همین قیاس باطل زیر پا بگذارد!

کیفیت سخن گفتن خدا با شیطان

نمونه: گفتگوی خدا، همیشه جنبه وحی ندارد، بلکه وحی عبارت از پیام رسالت و نبوت است، و هیچ مانعی ندارد که خداوند با شخص دیگری نه به عنوان وحی و رسالت، بلکه از طریق الهام درونی، یا به وسیله بعضی از فرشتگان سخن بگوید، خواه این شخص از صالحان و پاکان باشد، همانند مریم و مادر موسی یا از ناصالحان باشد مانند شیطان!

• اقول:

- به معنای لغوی وحی و انواع وحی که در کتب علوم قرآن بحث شده توجه شود. (القاء سریع و خفی)
- مگر وحی به این معنا، همواره بار معنایی مثبتی دارد و علامت یک ویژگی مثبت در مخاطب وحی است؟
- بستگی به محتوای وحی دارد. لذا ما در آیات عتاب به پیامبر، به دنبال اثبات عدم منافات این محتوا با عصمت ایشان هستیم. یعنی اگر ظاهر همین معنا را در نظر بگیریم، منافات بود، پس به توضیح مناسب مبانی خود محتاجیم.

۱۷

۱. روایت امام باقر ع چهار جهت را به چه چیزی تفسیر می کند؟

۱.۱. قال أبو جعفر (ع)

۱.۱.۱. «ثُمَّ لَأَيِّنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ» معناه أهون عليهم أمر الآخرة

۱.۱.۲. و من خلفهم أمرهم بجمع الأموال و البخل بها عن الحقوق لتبقى لورثتهم

۱.۱.۳. «وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ» و أفسد عليهم أمر دينهم بتزيين الضلالة و تحسين الشبهة

۱.۱.۴. «وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ» بتحبيب اللذات اليهم و تغليب الشهوات على قلوبهم.

علت وجود و بقاء شیطان چیست؟

● قاعدة کلی:

- بر اساس حکمت، نظام احسن، باید دارای خیر بیشتر و شر کمتر باشد.
- وجود تکامل اختیاری جزء خیرهای بسیار مهم است که صرف نظر کردن از آن خلاف حکمت است.

● نسبت به انسان ها:

- مایه تضاد بیشتر بین گرایش های انسان که نتیجه اش عبارت است از:
 - شناخته تر شدن مسیر حق از باطل برای انسان ها
 - توانا تر شدن انسانی که در مسیر هدایت است با وجود تضادهای بیشتر

● نسبت به خود ابلیس:

- وجود: دوران عبادت و دو ثمره قبل؛
- بقاء: اجر عبادات بسیار زیاد ابلیس قبل از تمرد بر اساس عدل الهی

۲۰

معنی «ووری» و «سوءات» چیست؟

۲۲

۱. معنی «دلّاهما»

۲. دلیل فریب خوردن آدم از ابلیس چه بود؟

- ۲.۱. هنوز تجربه کافی در زندگی نداشت، و گرفتار دامهای شیطان و خدعه و دروغ و نیرنگ نشده بود، و نمی توانست باور کند، کسی این چنین قسم دروغی یاد کند، و چنین دامهایی بر سر راه او بگذارد.
- ۲.۲. پیام: تلاش کنید مردم را از سادگی بیرون ببرید و تا با تقویت تفکر، شخصیتی پیچیده داشته باشند؛ زیرا تفکر، سرمایه انتخاب و اختیار صحیح است.

^{۱۴}تفسیر نمونه، این حدیث را به نقل از مجمع البیان آورده است نه تبیان.

^{۱۵}آیه ۱۴ و ۱۵

۳. از تفاوت تعبیر «هذه الشجرة» در آیه ۱۹ با «تلكما الشجرة» در آیه ۲۲ (و نیز از تعبیر «نادی» در آیه ۲۲) چه نکته ای برداشت می شود؟

۳.۱. آنها پس از این نافرمانی، چه اندازه از مقام قرب پروردگار دور شدند و حتی از درختان بهشتی نیز فاصله گرفتند.

۴. در روایات، دو گونه تفسیر برای شجره ممنوعه چیست؟

۴.۱. مادی: گندم و ...

۴.۲. معنوی: حسد و ...

۵. عدم منافات تعبیر «نهی» و «عصیان» و «غفران» و «ظلم»، با مقام عصمت انبیاء:

۵.۱. صدق این عناوین به حسب مرتبه خودشان است، نه در قیاس با ما.

۵.۲. عناوین به شکلی می آیند که بر ما و سطح ما نیز جاری باشند تا امکان درس گیری ما وجود داشته باشد.

۲۳

مقایسه برخورد آدم و حوا با برخورد ابلیس، پس از التفات به معصیت خود، با اینکه معصیت ابلیس، ترک امر الزامی عمومی بود و معصیت آدم، ترک امر الزامی خاص به مرتبه خودش بود.

• توبه یا عناد: بسیار مؤثر در امر تبلیغ و تربیت

۲۶

معنای ریش؟

- «ریش» در اصل واژه عربی، به معنی پره‌های پرندگان است و از آنجا که پره‌های پرندگان لباسی طبیعی در اندام آنها است، به هر گونه لباس، نیز گفته می‌شود، ولی چون پره‌های پرندگان غالباً به رنگهای مختلف و زیبا است، یک نوع مفهوم زینت در معنی کلمه «ریش» افتاده است، علاوه بر این به پارچه‌هایی که روی زین اسب و یا جهاز شتر می‌اندازند «ریش» گفته می‌شود.
- بعضی از مفسران و اهل لغت نیز آن را به معنی وسیعتری اطلاق کرده‌اند و آن هر گونه اثاث و وسائل مورد نیاز انسان است، اما مناسبتر در آیه فوق همان لباسهای زینتی و جالب است.

۳۱

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ

• زینت:

○ انواع زینت:

- مادی: لباسهای مرتب و پاک و تمیز، و شانه زدن موها، و به کار بردن عطر و مانند آن
- معنوی: صفات انسانی و ملکات اخلاقی، پاکی نیت و اخلاص، رهبران و پیشوایان شایسته و ...

۴۰

۱. سه دلیل بر ترجیح معنای شتر برای کلمه «جمل» ذکر کنید.
 - ۱.۱. روایات پیشوایان اسلام
 - ۱.۲. نظیر این تفسیر در باره ثروتمندان (خودخواه و متکبر) نیز در انجیل دیده می‌شود. بنابراین، این کنایه از قدیم در میان اقوام معمول بوده است.
 - ۱.۳. کلمه «جمل» بیشتر در معنی اول به کار می‌رود و استعمال این کلمه در معنی طناب ضخیم بسیار کم است.

۴۲

۱. چرا عبارت «لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» در وسط آیه به شکل جمله معترضه آمده است؟
 - ۱.۱. عمومیت تکلیف
 - ۱.۱.۱. هر کس به اندازه وسع و توانش تکلیف دارد و بدون تکلیف نیست.
 - ۱.۲. تناسب انتظار از مردم با وسعشان
 - ۱.۲.۱. البته از هر کس به اندازه استعداد فکری و جسمی و امکاناتش انتظار می‌رود.

۴۳

۱. معنای «غِلٌّ»: کینه و حسد
 - ۱.۱. در اصل به معنی نفوذ مخفیانه چیزی است، و به همین جهت به حسد و کینه و دشمنی که به طرز مرموزی در جان انسان نفوذ می‌کند «غل» گفته می‌شود
 ۲. نقش جمله «تجری ...»
 - ۲.۱. حال از ضمیر «هم فیها خالدون» در آیه قبل
 ۳. معنای ارث چیست؟
 - ۳.۱. در اصل: انتقال یافتن مال و ثروتی از کسی به دیگری، بدون اینکه قراردادی در میان آنها باشد (یعنی از مسیر طبیعی نه خرید و فروش و مانند آن)
 - ۳.۲. اگر به انتقال اموال میت به بازماندگانش ارث گفته می‌شود، نیز از همین نظر است.

۴. در قیامت مؤمنان چه چیزی را از کافران ارث می برند؟

۴.۱. **روی عن النبي ص أنه قال** ما من أحد إلا و له منزل في الجنة و منزل في النار فأما الكافر فيرث

المؤمن منزله من النار و المؤمن يرث الكافر منزله من الجنة فذلك قوله «**أورثتموها بما كنتم تعملون**»
أى توحدون الله و تقومون بفرائضه.

۵. ذیل آیه (بما كنتم تعملون) بر کدام عقیده اسلامی دلالت دارد؟

۵.۱. اختیار

۴۴

۱. آیا مؤذن بودن حضرت علی در اعراف، برای او فضیلت است؟ (المنار، فضیلت بودن را انکار می کند)

۱.۱. پاسخ با یک سؤال: وجه «مؤذن» شمرده شدن حضرت علی چیست؟

۱.۱.۱. مؤذن بودن (اعلام کننده بودن) پیام خدا در دنیا (سوره توبه)

۱.۱.۲. تناسب ظلم ستیزی علی با این پیام (ان لعنة الله على الظالمين)

۱.۱.۳. میزان الاعمال بودن علی برای عدل و ظلم

۴۶

۱. معنای اعراف در لغت چیست؟

۱.۱. جمع «عرف» (بر وزن گفت) به معنی محل مرتفع و بلند

۴۷

۱. چرا صرفت ابصارهم مجهول آمده است؟

۱.۱. آنها از مشاهده دوزخیان تنفر دارند، گویا نگاهشان به آنها نیز آمیخته با اکراه و اجبار است.

۲. تعبیر «لَمْ يَدْخُلُوهَا وَ هُمْ يَطْمَعُونَ» را ترجمه کنید.